

# چرا امید در جامعه ایران کم فروغ شده است؟

## سیدجواد حسینی

مقصود فراستخواه براساس یافته‌های پژوهشی به درستی معتقد است که امید در ایران به امری مناقشه‌آمیز و پرابلماتیک و مساله اجتماعی مبدل شده است، امید در ساختار اجتماعی باید تولید و بازتولید شود اکنون ساختار جامعه ایران فاقد توان تولید و بازتولید امید شده است، ساختارهای اصلی و مسلط که در جامعه ایران جاری است فرصت عاملیت را از بخش عظیمی از جامعه خصوصا نخبگان سلب نموده و برعکس نومیدی را می‌گسترانند. در دهه اول هزاره سوم شاخص نیکبختی در ایران از صد کشور پنجاه و چهار بوده و اکنون به هفتاد تنزل یافته است.

آنچه مقصود فراستخواه بر آن تاکید کرده، شوربختانه در پیمایش‌های متعدد ملی دیگری نیز تایید شده است، از جمله در پیمایش ملی سرمایه اجتماعی (۱۳۹۵) که پنداشته‌های مردم در حوزه مولفه‌های سرمایه اجتماعی را ارزیابی نموده است، نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مردم در خصوص موفقیت نظام در حل مشکلات ارزیابی در حد کم و خیلی کم داشته‌اند و تنها یک درصد در حد زیاد و خیلی زیاد امید به توان نظام در حل مشکلات داشته‌اند. یا در شاخص ارزیابی نسبت به روند آینده جامعه در سه قلمرو رفاه، وحدت و همدلی و فقر یافته‌های امیدبخشی حاصل نشده است. ۷۷ درصد مردم نسبت به وضعیت رفاه در آینده اوضاع را بدتر یا در حد تثبیت مشکلات موجود فرض کرده‌اند و تنها ۲۳ درصد به بهتر شدن اوضاع در آینده اشاره کرده‌اند. در خصوص وحدت ملی ۸۴ درصد مردم وحدت و همدلی جامعه را در آینده بدتر یا در حد وضع موجود فرض کرده‌اند و تنها ۱۶ درصد آینده را با انسجام و وحدت بیشتری تصویر کرده‌اند، این وضع در حوزه فقر ناامیدکننده‌تر است، به گونه‌ای که ۸۹ درصد مردم وضعیت آینده فقر را بدتر یا در حد استمرار وضع موجود قلمداد کرده‌اند و تنها ۱۱ درصد امید به بهتر شدن اوضاع فقر در آینده دارند. مطالعات بین‌المللی سرمایه اجتماعی نیز نشان می‌دهد که رتبه سرمایه اجتماعی ایران در بین ۱۴۲ کشور ۱۱۱ است همچنین در شاخص

نشاط اجتماعی از ۱۵۸ کشور مورد مطالعه، ایران در رتبه ۱۱۰ قرار گرفته است.

این مساله و آمارهای موجود صرفاً یک پنداشت ذهنی نیست، بلکه در واقعیت ساختار جامعه هم وجود دارد. رشد اقتصادی کشورهای منطقه طی ۵۰ سال گذشته و مقایسه آن با جامعه ایران به خوبی پرده از واقعیت روالهای اقتصادی معیوب و ناکارآمد برمی‌دارد.

طی پنجاه سال گذشته، اقتصاد ایران ۱۴ برابر و اقتصاد قطر ۲۹۸ برابر، اقتصاد عمان ۲۳۷ برابر، عراق ۵۱ برابر و ترکیه ۳۵ برابر رشد کرده است.

به این موضوعات، محدودیتهای اعمال شده در عرصه سیاسی مانند برخورد با استادان دانشگاه، دانشجویان و بررسی صلاحیتهای کاندیداها و نیز در حوزههای فرهنگی محدودیتهای کنترل رسمی مانند برخورد با زنان و پدیده حجاب را بیفزایید تا نتیجه روشن و معلومی را در معادله خود پیدا نمایید.

این وضعیت کار را به جایی رسانده که مطالعه سال ۱۴۰۱ درخصوص مهاجرت دانشجویان ایران نشان می‌دهد ۶۷ درصد دانشجویان میل مهاجرت به خارج از کشور دارند یا کاهش مشارکت ۶۰ درصدی مردم در انتخابات یازدهم اسفند نشانه‌های روشنی از رویه‌های ساختاری بیمارگونه و نومیدکننده در جامعه ایرانند.

مجدداً تاکید می‌کنم امید و نومییدی محصول و فرآورده، جریان‌ها و پروسه‌های طولانی‌مدت ساختارهای جامعه‌اند و به همین دلیل فقدان امید را یک موضوع پرابلماتیک یا مساله اجتماعی می‌دانیم به قول جان مشونیس مساله اجتماعی ریشه در ساختارها و روالهای جامعه دارند و نتیجه فرآیندهای کندرو (slow moving) می‌باشند.

هوشمندی حکمرانی و کیفیت آن به طرز معناداری به مواجهه با فرآیندهای کندرو معنا می‌یابد. در سطح جهان اگر در برخی کشورها مثل چین، هند، برزیل، کره جنوبی، تایوان و اندونزی و نیز کشورهای جدیدتری مثل گرجستان، بنگلادش، عربستان و اکوادور رشد و توسعه تحقق یافته یا در مسیر آن قرار گرفته‌اند به قول اندیشمندان چون عجم اغلو، رابنسون، استیگلیتز، دلی رودریک، داگلاس نورث و فوکویاما نتیجه اصلاحات نهادی چندوجهی، پروسه و فرآیندهای کندروانند.

وقتی با این نگاه به اقتصاد ایران می‌نگرید و یک دهه رشد صفر درصدی را مشاهده می‌کنید و کاهش تدریجی درآمد سرانه، گسترش فقر و بیکاری پایدار، بسط نابرابری‌های اجتماعی و کاهش سهم ایران از اقتصاد جهان را به تماشا می‌نشینیم. درمی‌یابیم که ساختارهای اجتماعی-اقتصادی ایران به صورت slow moving و کندرو و به شکل

مزمّن فرآورده‌های نامطلوب چون تورم بیکاری، فقر و بی‌تعادلی را تولید و بازتولید کرده‌اند و محصول آن تولید فرآیندی و سیستماتیک نومیدی و ناشادمانی است.

□□□□□□ 1403 □□□□□□□□ 9 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□